

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش هفتاد و دوم

۱۶ مارچ ۲۰۱۵

۲- تحکیم پیوند طبقه کارگر با دهقانان در مبارزه با دشواری ها

کمیته مرکزی بی درنگ به اتخاذ تدابیر لازم دست زد تا چرخشی را که کنگره نشان داده بود به عمل در آورد. در کلیه قوانین، فرمان ها و غیره تجدید نظر شد. تقسیمات جدید اداری کشور که تعداد بخش ها را به نصف تقلیل می داد موجب تمرکز نیروهای حزبی و دولتی گردید. به علاوه کادرهای آزموده و ذینفوذ از ارگان های مرکزی به ارگان های محلی حزبی و دولتی فرستاده شدند. یکی کردن کمیته های شهر و کمیته های بخش به جدائی که میان شهر و روستا پدید آمده بود، پایان داد.

سازمان های بنیادی حزب در سطح مراکز تولید به وجود آمد. حزب، سازمان های توده ئی را به راه صحیح انداخت. اشتباهاتی که در مناسبات با جبهه دموکراتیک روی داده بود، جبران شد. ساختمان تشکیلاتی و وظایف جبهه دموکراتیک به درستی تعیین شد و در اساسنامه جدید و جبهه دموکراتیک البانی قید گردید. پس از کنگره، بعضی از کمونیست ها به بهانه این که کار سیاسی در توده ها به وسیله اتحادیه های کارگری، سازمان جوانان و زنان انجام می گیرد، اظهار می داشتند که جبهه دموکراتیک باید از میان برود. این گرایش ها به موقع از طرف حزب درهم شکسته شد. جبهه دموکراتیک مظهر وحدت خلق البانی در پیرامون حزب بود. این شکل از سازمان که به صورت سنت استواری در آمده بود بهتر از هر سازمان دیگری می توانست تحکیم مستمر وحدت سیاسی توده های وسیع خلق را در مبارزه به خاطر ساختمان سوسیالیسم در کشور و دفاع از میهن تأمین کند.

به موجب رهنمودی که کنگره اول حزب کمونیست البانی داد کنگره وحدت جوانان که در سپتمبر ۱۹۴۹ در اشکودرا تشکیل گردید تصمیم گرفت که جوانان کمونیست و سازمان جوانان توده ئی در سازمان واحدی ادغام شوند که نام اتحاد جوانان کار البانی یافت. وظیفه اساسی که حزب برای اتحاد جوانان کار البانی معین کرد عبارت

از آن بود که آن شور و شوق انقلابی و روحیه فداکاری را که در طی مبارزه رهائیبخش ملی و در نخستین سال های پس از رهائی از خصوصیات جوانان بود در توده های وسیع جوانان زنده نگهدارد و بیش از پیش گسترش دهد. از جوانان دعوت شد که در حالی که در نخستین صفوف ساختمان سوسیالیسم قرار می گیرند به عرصه آموزش، فرهنگ و تکنیک روی آورند تا آن که کادر های تازه ای با آمادگی شایسته آیدیولوژیک و فنی- حرفه ای بالا کشیده شوند.

حزب کار البانی به اتحادیه های حرفه ای رهنمود داد که در پرورش کمونیستی کارگران و در اجرای برنامه دولتی نقش قطعی بازی کنند. طبقه کارگر می بایست در مبارزه به خاطر ایفای وظائف مذکور از کلیه جهات آبدیده شود تا به بهترین وجه بتواند از عهده رسالت رهبری در ساختمان جامعه سوسیالیستی بر آید و اساس حزب را تحکیم کند. این رهنمود در دومین کنگره اتحادیه های حرفه ای که در اکتوبر ۱۹۴۹ تشکیل شد به طور مشخص شکل گرفت.

سیاست حزب در مورد جمع آوری و تدارکات فرآورده های کشاورزی و دامداری

مبهم ترین مسأله در برابر حزب، مسأله ای که در آن موقع حلقه اساسی وظائف حزب به شمار می آمد عبارت بود از تحکیم روابط اقتصادی میان طبقه کارگر و دهقانان و افزایش فوری نیرو های مولد کشاورزی. در کشوری مانند البانی که بهره برداری های کوچک دهقانی تسلط داشتند، خروج از عقب ماندگی و ساختمان سوسیالیسم بدون بهبود وضع کشاورزی، بدون بسط و ترقی آن غیر ممکن بود صنعت نیز نمی توانست قد راست کند مگر آن که با مواد اولیه و به طبقه کارگر مواد غذایی رسانده شود.

برای نیل با این هدف در درجه اول می بایست سیاستی اتخاذ کرد که موجب ترغیب افزایش تولید کشاورزی و دامداری باشد.

آن سیستم جمع آوری و تدارک فرآورده ها که عملی می شد نه فقط نمی توانست این مسأله را حل کند بلکه به صورت مانعی بر سر راه رشد نیروهای مولده روستا درآمده بود. دهقانان باطناً در فکر افزایش تولید های کشاورزی نبودند زیرا که مازاد محصولات اساسی و به خصوص غلات به وسیله دولت جمع آوری می شد. و سیستم سابق جیره بندی که به دهقانان نیز برای کالاهای صنعتی کارت جیره بندی می داد تأثیر منفی در این زمینه داشت. دهقانان مولد در چنین شرایطی خود را ناچار نمی دید که محصولات را که مشمول تحویل اجباری به دولت نمی شد به کنوپراتیوهای خرید و فروش عرضه بدارد. او از عرضه این محصولات به بازار خود داری می کرد و یا آنها را به بهای گران می فروخت. به علاوه، چون محصولات صنعتی در بازار آزاد کمیاب بود، دهقانان تردید می کردند که تعهد خود را در برابر دولت اجراء کنند. آنگاه کولاک ها و محتکران از این وضع بهره بر می داشتند و چون دولت به آنها کارت جیره بندی و مایحتاج اولیه می داد آنها بازار سیاه برای مبادله محصولات کشاورزی و محصولات صنعتی به راه می انداختند و توده های زحمتکش شهر و ده را استثمار می کردند.

مبادلات اقتصادی میان ده و شهر رو به کساد می رفت. کم کم کارگران و دهقانان را به عنوان محتکران می شناختند. ارگان های دولتی برای تأمین تحویل اجباری مازاد محصولات غالباً مجبور می شدند که با اتخاذ تصمیمات اداری در مورد دهقانان دست بزنند. اتحاد طبقه کارگر با دهقانان به خطر افتاده بود.

کمیته مرکزی حزب برای جلوگیری از این خطر و برای تحکیم بیشتر اتحاد طبقه کارگر با دهقانان با اتخاذ یک سلسله تدابیر اقتصادی مهم به سود روستا دست زد، مانند افزایش اعتبار کشاورزی، توسعه کار ها در زمینه بهتر

کردن اراضی، کمک مراکز ماشین و تراکتور و غیره. ولی در شرایطی که مالکیت کوچک خصوصی هنوز در روستا نفوذ داشت این تدابیر نمی توانست مسأله ارتباطات اقتصادی بین شهر و ده و تحکیم اتحاد طبقه کارگر با دهقانان را کاملاً حل کند. تحکیم بیشتر این اتحاد، به طور عمده به وسیله توسعه مناسبات بازرگانی از طریق مبادلات محصولات کشاورزی میسر بود. چنین مناسباتی برای دهقانان بیشتر قابل درک و بیشتر مفید بود. حزب، سیاست خود را در این زمینه با برقراری سیستم نوین جمع آوری و تدارکات که در جنوری ۱۹۴۹ به تصویب کمیته مرکزی رسید، مشخص گردانید.

به موجب سیستم نوین، مقدار محصولاتی که دهقان مجبور بود به دولت تحویل دهد بر حسب مساحت و نوع زمین کشت او تعیین می شد. دهقانان مجبور نبودند تا تمام مازاد محصولات کشاورزی و دامداری را تحویل دهد بلکه فقط قسمتی را تحویل می داد و بقیه در اختیار او باقی می ماند. این سیستم، محرک رشد نیروهای مولده در کشاورزی و دامداری بود. دهقان در شرایط جدید چون قبلاً از میزان محصولاتی که باید به دولت تحویل دهد با خبر بود می کوشید که هرچه بیشتر تولید کند تا بیشتر برای او بماند.

این سیستم نوین، بخش مهمی از میزان غلات و محصولات کشاورزی و دامداری مورد لزوم دولت را برای او تأمین می کرد. بخش دیگر از این محصولات را نیز دولت از طریق سیستم نوین تدارکات به دست می آورد که به وی اجازه می داد تا مازاد محصولاتی را که در دست دهقانان باقی مانده است، گرد آورد. این سیستم که مبادلات محصولات صنعتی را با محصولات کشاورزی و دامداری و نیز تأمین مایحتاج اولیه زحمتکشان شهر را تنظیم می کرد بر سازمان سه نوع بازار تکیه داشت.

بازار تضمین شده دولتی مایحتاج زحمتکشانی را که در نزد دولت و در بنگاه های تحت نظارت دولت کار می کردند و همچنین اعضای خانواده های آنها را که تحت تکفل بودند و نمی توانستند کار کنند، بر طبق اوراق جیره بندی، تأمین می کرد. بازار مذکور به کلیه پیشه وران خصوصی نیز که کار شخص دیگر را استثمار نمی کردند جنس تحویل می داد تا آن که تولید محصولات پیشه وری دچار وقفه نگردد و به رونق مبادلات بین شهر و ده کمک شود.

بازار متقابل به دهقانان امکان می داد که مازاد محصولات خود را با محصولات صنعتی مبادله کنند و نیازمندی های خود را بر آورند. حلقه اساسی بازرگانی میان ده و شهر، کئوپراتیو های خرید و فروش بودند که می بایست به صورت سازمان های اقتصادی و اجتماعی مهمی در آیند و مایه تحکیم پیوند های اقتصادی و اتحاد زحمتکشان شهر و ده گردند.

بازار آزاد وظیفه داشت که آن نیازمندی های دهقانان و شهریان را که به وسیله بازار تضمین شده دولتی و بازار متقابل تأمین نمی شد بر آورده سازد و آن دسته از اشخاص را که محروم از کارت جیره بندی بودند از حیث مایحتاج تأمین کند. قیمت ها در بازار آزاد خیلی گران تر از قیمت ها در دو بازار دیگر بود. هدف دولت از بازار آزاد آن بود که پولی را که دهقانان و عناصر سرمایه داری در بازار خصوصی گرد می آوردند هرچه بیشتر از آنها بیرون بکشد. به علاوه وجود بازار آزاد باعث تشویق دهقانان به مبادله محصولات خویش در بازار متقابل می شد.

سیستم نوین، زحمتکشان و طفیلیان را از هم متمایز ساخت، روز به روز نیروی کار بیشتر را در شهر و ده به تولید جلب کرد و موجب صرفه جوئی مقدار زیادی از غلات شد که قبلاً بدون هیچ ملاکی توزیع می گردید و یا بر باد می رفت.

برای این که سیستم نوین به طور ثمر بخش به عمل در آید لازم بود که بازرگانی دولتی و کنوپراتیوی به مثابه زمینه عمده پیوند اقتصادی شهر و ده قوت یابد و به حرکت در آید. و برای این که بازرگانی با سیستم نوین منطبق گردد به تجدید سازمان بازرگانی مبادرت شد، هدف تدابیری که اتخاذ شد عبارت بود از افزایش ظرفیت ارگان های تجاری، اجرای سیاست اقتصادی حزب و مبارزه با بوروکراتیسم در درون ارگان های تجاری، به علاوه مشکلات جدیدی که در بازرگانی به وجود آمد مستقیماً به تحرک و رشد صنایع سبک کمک می کرد.

برای این که بازرگانی بهتر سازمان یابد و کالا ها به خوبی و به سرعت توزیع شود حزب مراقبت خاصی به پرورش کادر ها مبذول داشت و شعار زیرین را در ارتباط با این مسأله اعلام کرد: «کمونیست ها باید بازرگانی بیاموزند».

همین روش در مورد خرده فروشی و پیشه وری خصوصی نیز به کار رفت. نظر به این که بازرگانی و صنعت سوسیالیستی هنوز نمی توانست تمام نیازمندی های زحمتکشان را بر آورد، لازم بود که خرده فروشی خصوصی نیز تا حدی به فعالیت در آید. این امر به منظور تأمین بیشتر حوایج زحمتکشان صورت گرفت. رونق خرده فروشی و پیشه وری حائز اهمیت سیاسی نیز بود زیرا که موجب تقویت وحدت کسبه و تولید کنندگان خصوصی در جبهه دموکراتیک می شد.

مجاز ساختن رشد خرده فروشی و پیشه وری خصوصی به معنای آن بود که عناصر سرمایه دار تا حدی از نوجان بگیرند. ولی چون دولت بر بخش سرمایه داری نظارت منظم و متشکل داشت خطری از جانب این بخش متوجه اقتصاد سوسیالیستی نمی شد. به علاوه بخش سرمایه داری سهم مهمی در اقتصادی ملی نداشت و قادر به رقابت با اقتصاد سوسیالیستی نبود.

سیستم نوین جمع آوری و تدارکات فقط به قلمرو مبادلات محدود نمی شد بلکه عنصر بسیار مهمی از سیاست اقتصادی حزب بود که مستقیماً به رشد کلیه رشته های اقتصاد توده ئی کمک می کرد. سیستم مذکور راه حل صحیحی برای تقویت وحدت طبقه کارگر با دهقانان ارائه می داد.

ادامه دارد...